



شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۸

۱۰ ذی القعدة ۱۴۴۰ | ۱۳ جولای ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۹۰۱۱

سیره



سپهر تابناک؛ مجموعه یادداشت اختصاصی
آیت‌الله دکتر محمدهادی عیدخدايي (پیش‌آخر)

دربارهٔ زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه (علیه السلام)



زیارت قبور به طور کلی یکی از مستحبات مؤکد دین است؛ پیامبر اکرم(ص) فرمود: «زوروا القبور فأنها تذکرکم الآخرة» (التاج الجامع للأصول فی احادیث الرسول- منصور علی ناصف، دار احیاء التراث، بیروت لبنان، ۱۳۸۱ق.) به زیارت قبرها بروید، زیرا شما را به یاد آخرت می‌اندارد؛ البته زیارت قبور اولیای الهی از ویژگی خاصی برخوردار است و تجلیل و بزرگداشتی از آن شخصیت‌های نمونه است؛ زیارت، الگو و اسوه‌وار دادن آن‌سوهایی تقوا و فضیلت است، زیارت، دل را صفا می‌دهد و رفتار انسان را اصلاح می‌کند؛ آدم را به یاد ارزش‌های الهی و قیامت می‌اندارد؛ امروزه در جهان نام شخصیت‌های علمی و اجتماعی را به صورت‌های گوناگونی مطرح می‌کنند تا دیگران به آن‌ها تأسی کنند؛ برای ایشان بزرگداشت می‌گیرند، زندگی‌نامه منتشر می‌کنند، نام آن‌ها را روی مراکز علمی یا گذرگاه‌های عمومی می‌گذارند و همه این‌ها هم برای قدردانی و هم برای الگوبری است؛ حتی قبور جعلی به عنوان سرباز گمنام ایجاد می‌کنند تا سنبلی از ایثار و قهرمانی ارائه دهند. مهم‌تر از این موضوع مقام ابراهیم و مطرح شدن آن در قرآن کریم است، خداوند متعال به هنگام تجلیل از مسجدالحرام پس از آنکه آنچرا جایگاه مبارک و هدایت معرفی می‌کند، ابتدا می‌فرماید: «فیه آیات بینات»؛ در آنجا نشانه‌های روشنی وجود دارد؛ سپس می‌گوید: «مقام ابراهیم» (آل عمران:۹۷)؛ جایگاهی که ابراهیم بر آنجا ایستاده است. حتی این جایگاه را آنچنان شرافتمند می‌داند که می‌فرماید: «واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی» (بقره:۱۲۵)؛ از مقام ابراهیم برای خودتان جایگاه نماز اتخاذ کنید؛ این دستور هم گویای شرافت مقام است و هم تجلیل از منزلت شامخ ابراهیم(ع).

وقتی به دستور خداوند متعال مقام ابراهیم مسجد و مصلای برای میلیون‌ها زائر خانه خدا در طول تاریخ قرار می‌گیرد، آیا سزاوار نیست که مدفن و مضجع ولی خدا هم مرکز عبادت در پیشگاه الوهیت و جایگاه استعجاب دعا قرار گیرد؟ البته با توجه به اینکه عبادت فقط برای پروردگار متعال است و کوچک‌ترین سبهی در عبادت هم برای ولی خدا وجود ندارد؛ همچنان که ابراهیم(ع) هم فرمود: «إن صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین» (تعام:۱۶۲). در آیه دیگری خداوند متعال درخشش انوار ویژه الهی را در منازل مخصوصی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «فی بیوت آن الله آن ترفع و یذکر فیها اسم» (نور:۲۶). در ذیل همین آیه از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که آن حضرت فرمود: این بیوت عبارت است از مساجد و منازل انبیا، ابوبکر اشاره به منزل حضرت زهرا(س) نمود و سؤال کرد آیا این هم از جمله آن‌هاست؟ حضرت فرمود: نعم من أفضله؛ آری از برترین آن‌هاست. از این رو حریم مطهر پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) اضافه بر آنکه یادگاری از آن اولیای برجسته‌ه الهی است، مرکز تجلی انوار خدایی و همچنین عبادتگاهی برای خداوند متعال است؛ در اینجا و در همه جا صالات با خداوند است و امام به صورت شفیع و واسطه مطرح است. در برخی از روایات اهل تسنن از زیارت قبور نهی شده است ولی آن روایات مربوط به قبور کافران و منافقان است؛ «همچنان که قرآن کریم هم در مورد منافقان می‌فرماید: «و لا تصل علی أئد منهم مات أبوا و لا تقم علی قبره» (توبه:۸۴). هنگامی که یکی از آن‌ها مرد هیچ‌گاه بر او نماز نخوان و روی قبرش توقف مفرما. این آیه چون در مورد منافقان است از مفهوم آن می‌توان استفاده جواز و محبوبیت را برای مؤمنان نموده، همان طور که خود پیامبر اکرم(ص) به زیارت قبور رفته‌اند و برای آن‌ها طلب مغفرت فرموده‌اند؛ ابومویه، غلام آزاد شده پیامبر(ص) می‌گوید: رسول خدا در دل شب به من فرمودند که ابومویه! به من دستور داده شده است که برای اهل بقیع استغفار نمایم، از این رو با من بیا بدین جهت من هم با پیامبر اکرم(ص) به سوی بقیع روان شدم، هنگامی که حضرت در بقیع و میان افراد مدفون در آنجا قرار گرفت فرمود: «السلام علیکم یا اهل المقابر» (سیره النبویه، ابن‌شنام، ج۴، ص ۲۹۲)؛ سپس فرمود: گویا باد برای شما موقعیتی که در آن به سر می‌برید. پس از آن از وجود فتنه‌ها شگوه نمود و سپس از رحلت خود خبر داد و در پایان هم برای اهل بقیع استغفار فرمود و سپس مراجعت کرد. پیامبر اکرم(ص) در مورد زیارت «ائمه» نام خود می‌فرماید: «فقد أنذ اللهم فی زیارة قبر أمة الا فروروها فألها تذکر الآخر»؛ همانا به محمد نسبت به زیارت قبر مادرش اجازه داده شده است که قبر او را زیارت کنید، زیرا شما را به یاد آخرت می‌اندارد. این روایت را پنج کتاب از صحاح شش‌گانه اهل تسنن روایت کرده‌اند. حتی پیامبر اکرم هنگام زیارت قبر مادرشان است، هم خود گریستند و هم دیگران را گریاندند (التاج الجامع از مسلم و ابی‌داود و نسائی).

در مورد قبر مطهر پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) هم روایات فراوانی وارد شده است که عالم و محدث بزرگوار شیخ حرعاملی پس از کتاب الحج آن‌ها را آورده است (وسائل الشیعه، ج ۱۰)؛ اضافه بر آنکه زیارت قبور آنان یکی از مصدیق بارز اظهار مودت و محبت به ایشان است که وظیفه هر مسلمانی است. در آن میان تأکید فراوانی بر زیارت مرقد مطهر امام هشتم(ع) شده است تا آنجا که در برخی از آن‌ها تشبیه به زیارت مضجع رسول اکرم(ص) شده و در پارای دیگر وعده شفاعت، بهشت و مغفرت از گناهان داده شده است (بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۰). شیخ صدوق(ع) هم در عیون أخبارالرضا و هم در امالی از رسول اکرم(ص) روایت کرده است که فرمود: «استدغی بضعة منی بأرض خراسان لایزورها مؤمن إلا أوجب الله عزوجل له الجنة و حرم جسده علی النار»؛ بزودی پاره‌ای از تن من در سرزمین خراسان دفن می‌شود؛ مؤمنی آن را زیارت نمی‌کند مگر آنکه خداوند بهشت را بر او واجب گرداند و جهنم را بر بندش حرام فرماید. دعبل از خود امام هشتم(ع) روایت می‌کند که حضرت فرمود: هر کسی مرا در توس زیارت کند او در بهشت با من است (بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۹۰).

در اینجا هم باید به دو نکته دیگر توجه داشت: یکی آنکه در برخی از روایات شرط شده است که زیارت‌کننده مؤمن باشد، نه هر کسی و در برخی دیگر هم شرط شده است که معرفت به حق امام داشته باشد نه هر بی‌معرفتی. دیگری اینکه اقتضای زیارت به واسطه اهمیت فراوان آن مانند بسیاری از کارهای ارزنده دیگر مغفرت الهی و بهشت است، به شرطی که انسان آن را از بین نبرد و با آتش گناه آن را نابود نسازد؛ البته زیارتی که موجب توبه باشد آدم را در گن‌گن می‌کند و تحولی در انسان ایجاد می‌کند. در روایتی، امام موسی بن جعفر(ع) به فرزندانشار امام رضا(ع) در جوانی اشاره نموده و می‌فرماید: این فرزندانم در سرزمین غربت از دنیا می‌رود و سپس می‌فرماید: هر کس او را زیارت کند در حالی که فرامیزدار او باشد و معرفت به حشق داشته باشد، منزلت او در نزد خداوند به مانند شهدای بدر است (بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۳)؛ در این روایت که نوید بسیار مهمی هم داده شده، دو شرط مطرح شده؛ یکی معرفت و دیگری اطاعت. این مهن‌یار از امام جواد(ع) سؤال می‌کند که زیارت امام رضا(ع) افضل است یا زیارت ابی‌عبدالله(ع)؟ امام می‌فرماید که زیارت امام رضا(ع) افضل است، زیرا ایشان را همه مردم زیارت می‌کنند ولی پدرم را فقط خواص ا شیعه زیارت می‌نمایند (بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۸). مهم‌ترین نوید را هم خود امام هشتم(ع) به زائران خویش داده است، آنجا که فرمود: «من زارنی علی مدی عادی، آتیته بوم القیامه فی ثلاثة مواطن حتی أخلصه من أهوالها، إذا تطایرت الکتب مبیناً و شمالاً و عند الصراط و عند المیزان» (بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۴۰)؛ هر کسی مرا زیارت کند با توجه به دوری مزارم، روز قیامت در سه جایگاه به نزد او می‌آیم تا او را از اضطراب‌های آنجا رها سازم؛ هنگامی که نامه‌های اعمال به دست‌های راست یا چپ داده می‌شود و روی صراط و در کنار میزان و سنجش اعمال.

معارف | نقوی – شیخ الاسلامی | مشکلات

اقتصادی این روزها گریبان جامعه را گرفته است و گلولی قشر ضعیف را می‌فشارد اما آنچه نمک بر زخم این قشر می‌باشد، دیدن اختلاف طبقاتی و اشرافیتی است که بخصوص توسط اُن‌های خوب، به نمایش گذاشته می‌شود. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که تا مردم به‌عنوان موجب تقرب انسان به خداوند و سبب شفاعت آن پاک‌باختگان راه الهی می‌شود. به تمدن اسلامی کاری غیرممکن می‌نماید. مواجهه حضرت رضاع(ع) بسا موضوعاتی از قبیل اشرافیت، برخورد با مخالفان و حفظ کرامت انسان‌ها مسائلی است که حجت‌الاسلام مصطفی امینی‌خواه در گفت‌وگو با ما از آن‌ها می‌گوید. بخش نخست این گفت‌وگو، یکشنبه ۱۶ تیرماه در همین صفحه منتشر شده بود.

نوع مواجهه با اشرافی‌گری و شیوه مطالبه‌گری عدالت‌خواهان، خودش امروز محل بحث میان جریان‌های مدعی عدالت‌خواهی است؛ این اختلافات از کجا نشأت می‌گیرد؟

ما مبنای درست و دقیقی از نحوه برخورد ائمه(ع) بسا موضوعاتی مثل عدالت‌خواهی نداریم؛ برای همین بعضی کارهای عدالت‌طلبی‌مان هم به انحراف کشیده می‌شود و دچار افراط و تفریط می‌شویم، یعنی راه می‌افتیم ببینیم کدام مسئول کجای شهر می‌نشیند، یا فلان وسیله‌اش چه قیمتی دارد؛ بعضی از ما مردم اگر امام رضا(ع) را می‌دیدیم در صفحه اینستاگرامان علیه ایشان اقدام عدالت‌خواهانه می‌کردیم! ایسن ذهنیت حاصل نفهمیدن معنویت و روح عبودیت است. روح عبودیت مسئولیت‌های اجتماعی ما را از بین نمی‌برد؛ بلکه تلاش‌های ما را بیشتر و منفعت شخصی ما را کم می‌کند. این نکته است که موجب رشد اقتصادی و جهیش اجتماعی و سیاسی ما می‌شود؛ وگرنه عبادات و عزلت‌های حضرات به خودی خود دردی از دردهای مردم دوا نمی‌کند. امام خمینی(ره) می‌فرمایند: اگر اهل بیست‌ار(ع) فقط اهل عزلت‌ها و عبادت‌ها بودند حکومت متعرض آن‌ها نمی‌شد؛ بلکه دستشان را هم می‌بوسید. پس معلوم است که آن‌ها جهت‌هایی به مردم می‌دادند که در نهایت منجر به شهادتشان می‌شد.

اخلاق

حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه:

خودسازی مهم‌ترین مؤلفه نظام انقلابی است



ر.سا: خودسازی مهم‌ترین مؤلفه نظام انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب است؛ جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی نیز به عنوان دیگر مؤلفه‌های نظام انقلابی نیازمند خودسازی هستند. مقصود رهبری از معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و جامعه است؛ اخلاق نیز به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راست‌گویی، اخلاق و معنویت است. نقش‌آفرینی در جامعه انقلاب معنویت و اخلاق را جهت‌دهنده همه حرکت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه می‌دانند؛ بر این اساس محرک و جهت‌دهنده اصلی جامعه در مسیر پیشرفت و تمدن‌سازی، اخلاق و معنویت است. نقش‌آفرینی در جامعه بدون اخلاق و معنویت هیچ تأثیری ندارد؛ پیامبر اکرم(ص) نیز با اخلاق و معنویت جامعه‌جهلایت عرب را تکامل بخشید و رشد داد. امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب به دلیل زهد، ایمان و تهجد در دل جوانان مسلمان سراسر جهان جاز کرده‌اند؛ عالم باید اهل عمل، تهجد و زهد باشد و درد مردم را بفهمد تا بر جامعه و مردم اثر بگذارد؛ ایثار، خدمتگزاری به مردم و شنیدن و رسیدگی به درد

نوع برخورد مسئولان با مردم مطالبه‌گر نیز موضوعیت دارد؛ اغلب اوقات بنا به موقعیت اجتماعی‌ای که یک مسئول دارد، برای خودش نوعی شائبه اجتماعی خاصی می‌سازد که سبب ایجاد فاصله بین او و مردم می‌شود. سبیره ائمه بخصوص امام رضا(ع) برای تغییر ایسن دیدگاه چه بوده است؟

در این باره متن یک روایت را برایتان می‌خوانم که خیلی جالب است؛ یک بار حضرت به حمام نیاز داشتند اما کراهت داشتند به کسی امر کنند که شرایط را برای استحمامشان فراهم کنند؛ یعنی جدا از اینکه استخر و حمام اختصاصی نداشتند، حتی کراهت داشتند به کسی بگویند شرایط را برای استحمام من فراهم کنید؛ از این رو خود حضرت به سمت حمام عمومی راه افتادند. تعبیر در روایت این است که حتی احدی فکر نمی‌کرد ولیعهد به این حمام بیاید، چون همه پادشاهان و کسانی که مسئولیتی داشتند حمامشان در قصرشان بود. حالا در حمام، یک سرباز حکومتی به حضرت می‌گوید که روی سر من آب بریز؛ حضرت آب می‌ریزند. مردی که حضرت را می‌شناخت داد زد که تو پسر دختر پیامبر را به استخدام گرفتی؟

بعد که آن سرباز متوجه شد به گریه می‌افتد و به حضرت می‌گوید من گفتم، شما چرا گوش دادید؟ حضرت می‌فرمایند که من دنبال ثوابم. این همان روح عبودیت است. امام رضا(ع) خودشان را جزئی از مردم و خادم مردم می‌بینند؛ می‌فرمایند: تو وقتی به من گفتی روی سرم آب بریز، به من پیشنه‌ها ثواب دادی. چرا باید رد می‌کردم؟ اصلاً هم منی ندانرند و از این اتفاق استفاده تبلیغاتی نمی‌کنند. بعضی مسئولان ما وقتی

به مترو می‌روند صد تا عکس از آن درمی‌ای! انگار سر مردم منت می‌گذارند.

بخش دوم گفت‌وگوی قدس با حجت‌الاسلام امینی‌خواه درباره سیره اجتماعی حضرت رضا (علیه السلام)

روح عبودیت با اشرافیت سازگاری ندارد

بله؛ روایت است که کسی به حضرت گفت: از جهت آبا و اجداد روی زمین کسی از شما شریف‌تر نداریم؛ حضرت با تراجحتی گفتند: پدران هر چه چه دارند از تقوا دارند. یکی دیگر گفت: به خدا تو از همه مردم بهتری؛ حضرت فرمودند: قسم نخور! کسی که تقوا دارد از همه مردم بهتر است؛ یعنی ژن خوب ژنی است که خودش خوب است و تقوا دارد، نه اینکه به پدرش افتخار کند. حتی مدل رسیدگی حضرت هم اشرافی نبوده است؛ اینکه مثلاً پول بدهند که دیگران بروند و به فقرا برسانند، نبوده است. روایت داریم وقتی حضرت سر سفره می‌نشستند از بهترین پش‌های غذا جدا می‌کردند و خودشان به کسانی که نیاز داشتند می‌دادند.

حضرت چه راهبردی در مبارزه تبلیغاتی با مفاصد داشتند؟ به عبارتی جنس مواجهه امام رضا(ع) با ایسن موضوعات، با توجه به فضای افکار عمومی چگونه بود؟

امام رضا(ع) عمدتاً پرسش‌ها و نقدها را به روایات پیامبر(ص) ارجاع می‌دادند؛ معلوم می‌شودد شخصیت پیامبر(ص) در آن دوره تثبیت شده بود، چون در دوره بنی‌امیه تلاش بر این بود که اسم و فرهنگ پیامبر(ص) محو شود ولی عباسیان این طور نبودند. در این دوره چون شخصیت پیغمبر(ص) مطرح بود بیشتر نکات با سیره و سنت پیغمبر(ص) مطرح می‌کنند. ما هم باید در ارجاعات فرهنگی و مبنای ارزشی و عقیدتی گرایشات مردم را در نظر داشته باشیم؛ ضمن اینکه حضرت حاصل فطرتش فضا به سمت تنش و کاذب‌سازی نبود؛ می‌خواستند مردم را آرام آرام رشد دهند. یک بار امام خمینی(ره) در دیدار با مشهودی‌ها، دعوای که تنش‌ها در کشور خیلی زیاد بود، فرمودند:

انقلاب اسلامی

دکتر موسی نجفی:

افق تمدنی ما می‌تواند تمدن غرب را به چالش بکشد



مهر: برخورد ما با بیانیه گام دوم انقلاب، برخورد آزادی است که عده‌ای اهل تفکر می‌خواهند درباره صحبت‌های یک نظریه‌پرداز و فردی که در حال تبیین یک فلسفه سیاسی است گفت‌وگو کنند؛ اینکه ما با بیانیه گام دوم کاملاً از آدانه، مبتکرانه و خلاقانه برخورد کنیم، خودش یک گام تمدنی است. چهار موضوع «تمدن گذشته اسلامی»، «تمدن گذشته شیعی ایرانیان در دوران صفویه»، «تمدن غرب، و «تمدن آینده اسلامی» موضوعات مهمی است که باید ضمن بحث درباره تمدن نوین اسلامی مورد توجه واقع شوند و مقدمه پرداختن به موضوع گام دوم انقلاب اسلامی بحث درباره چیستی گام نخست انقلاب است که جمع‌بندی افتخارآمیز گذشته و گام دوم آن هم نگاه امیدوارانه به آینده را شامل می‌شود. این درست در مقابل خط تبلیغاتی دنیای استکبار و همچنین عده‌ای در داخل است که به دنبال ضعیف نشان دادن حرکت نظام ۴۰ سال گذشته و ایجاد یأس نسبت به آینده هستند. معمولاً پس از انقلاب‌های جوان، تمدن‌های جدید ساخته می‌شوند. در صفویه هم ۱۰۰ سال نخست دوره تأسیس و تثبیت بود و در زمان شاه‌عباس تمدن صفویه ساخته شد.

برش

نکته‌ای که در دیدگاه غیراسلامی وجود دارد تأکید بیش از اندازه روی حقوق انسان است؛ در حالی که اسلام توجه به تکلیف را نیز از ملزومات کرامت انسانی می‌داند. کرامت مد نظر اسلام صرفاً حول حقوق نمی‌چرخد، بلکه می‌گوید باید نگاهی نیز به تکلیف داشت. پس نگاه ما این است که در کنار هر حقی، تکلفی هست و کسی نیست که فقط حق داشته باشد.

نوازگی کلیدواژه‌های «کرامت» و «حقوق شهروندی» در عرصه‌های سیاسی نیز استفاده شده‌اند. نسبیت این دو با یکدیگر را چگونه می‌بینید؟

لازمه کرامت انسان در بعد اجتماعی برخورداری از حقوق اجتماعی برابر است. ما شهروند درجه یک و دو نداریم؛ به تعبیر امام علی(ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، مردم با برادران نوعی نگاه با برادران دینی توپ، پس به مردم عشق بورز، با این نگاه اعتقاد داریم خدا این کرامت اعطایی را این گونه قرار داده که همه از حقوق شهروندی برخوردارند، مگر اینکه کسی خودش را از حقوق ساقط کند؛ مثلاً اگر کسی مرتکب قتل شد بدون قصاص می‌شود و این قصاص منافاتی با کرامت انسان ندارد.

یکی از نقاط اختلافی میان قوانینی است که بشر وضع کرده و در نظر اسلام مخالف سرشت او است؛ بیوند این موضوع با کرامت چگونه است؟

در قرآن بارها آمده که با پیامبران را با کتاب و میزان

شما از مرکز آرامش آمده‌اید؛ از کنار امامی آمده‌اید که همه کارها را با آرامش پیش برد. ما هم اکنون نیاز داریم که کارها را با آرامش پیش ببریم. گاهی از یک حرکت انقلابی توقع این است که همه را تار و مار کند، نه؛ کار خدایی این است که دستگاه محاسباتی‌اش الهی باشد و به فکر منفعت شخصی و جناحی خودش نباشد. همچنین در موضع‌گیری، بسیار مدیرانه، مدبرانه، باآرامش و برنامه‌ریزی زمانی باشد؛ حضرت این گونه اقدام می‌کرد و با همین روش آرام آرام فکر مردم را عوض کردند.

ن رشد مردم گفتید؛ به نظر در مناظرات امام رضا(ع) نیز همین مدل در فضای نخبگانی پیاده می‌شد؟

بله؛ اتفاقاً اوجش مناظرات است؛ ولی در محاورات حضرت هم جریان دارد و در شرایط مختلف همین رفتار را دارند. می‌دانیم که طولانی‌ترین سفر اهل بیت(ع) و امام رضا(ع) داشتند که به توس آمدند. در این سفر به هر شهری که وارد می‌شدن مایه تحولات می‌شوند و نسل بعدی آن شهر عموماً شیعه با معتقد به اهل بیت(ع) هستند. در نیشابور به ظاهر کاری نمی‌کنند و فقط حدیثی می‌گویند و مردم می‌پویند؛ ولی حضرت اصل تحول اعتقادی محو شود ولی شاکله فکری و معرفتی مردم را با همان حرکت آرام خودشان انجام داند.

ابزار امام رضا(ع) برای رشد و ارتقای فکری مردم چه بوده است؟

در نگاه حضرت رضا(ع) بنده نیاز به رفتارهایی دارد که در آن باید به رضای خدا برسد. این رفتارها هم با علم است؛ یعنی تا دانش نباشد رضای خدا هم حاصل نخواهد شد. درست است که اهل بیت(ع) مرکز و معدن علم و معارف هستند و در روایت داریم علمی که از ما گرفته نشده باشد جعلی است، ولی این گونه نیست که اگر مسئله‌ای بر اساس تجربه بشری اثبات شد و گزاره علمی به حساب آمد، اهل بیت(ع) با آن مخالف باشند. در سیره امام رضا(ع) و دیگر اهل بیت(ع) وقتی مردم با مسائلی آشنا می‌شدند که بر مبنای تجربه بود، با آن مخالفتی نداشتند؛ معیار، رشد و تعالی انسان است. با این معیار هر چیزی که بر مبنای عقل وحیانی و علمی تعریف شود ما برایش احترام قائل هستیم و تشویق می‌کنیم. در روایت داریم که می‌فرماید: در ازای برداشتن یک قدم و یا نوشتن یک کاغذ مطلب علمی، شهرهایی از نور به روی انسان باز می‌شود.